



افعال و عملکرد داروها

افعالی که به سبب کیفیت

برودت

پدید می آیند

مِبْرَد

مِبْرَد

سرد کننده

و آن دوائی را نامند که بقوت مبرده که دارد احداث برودت نماید

مانند کافور

اقِط

دوغ و خیار

رادع

رادع * مانع و بازگرداننده ماده به عضو.

دوایی است که به سبب طبیعت سرد و قوه قبض خود حدت گرمای عضو را می شکند و در آن فشردگی و انقباضی ایجاد می کند که موجب تنگ شدن مسام عضو می گردد
اخلاط رقیقه سیاله را غلیظ و منجمد می کند و مانع ریختن به ماده به عضو میشود

ردع مقابل جذب است

مانند سماق، بلوط و جلنار فارسی

مغلّظ

مغلّظ (غلیظ کننده) ضد ملطف است. دوائی است که قوام رطوبت ها را غلیظ تر می کند چه از راه منجمد کردن و چه به وسیله فسر دانیدن و چه از راه آمیختن آن با مواد دیگر.

عدس

کتیرا مغلّظ خون و مواد رقیقه

بلوط

خونریزی بینی

مفجج

مفجج (خام کننده) دوايي است

به قوّت برودت و يبس خود باطل گرداند فعل حرارت غريزي و غريبي را
نيز و اخلاط را خام و هضم را ناقص سازد و اين در مقابل منضج و
هاضم است.

وقتي ماده مستعد عفونت است

. مانند برزقطنای درست و ضماد آن در خارج

مُفَجِّج: هر چه در همه جهت به خلاف منضج و هاضم باشد.

خيار

مخدر

مخدر (بیحس کننده) دوايي است که با قوه برودت و یبوست و قبض خود اخلاط را منجمد می کند و مسام عضو را می بندد و مانع نفوذ روح نفسانی در عضو می شود و آن را اندکی بیحس کرده و از حرکت می دارد به عبارت دیگر دواي مخدر با ایجاد تکاثف در روح نفساني حساس و حرکت آن را کم می کند مانند افیون. اکثر مخدرات سرد و خشك می باشند

مطفی

مطفی خاموش‌کننده آتش. و فرو نشاننده حرارت و التهاب.

یعنی نشاننده ثوران و حدت اخلاط

ان دوائی را نامند که بقوت برودت و باعتدال خود بشکند حدت و

سورت اخلاط حاده حاره رایا سوء مزاج حار سازج را

توت ترش مطفی حدّت خون

مسکین

یعنی ساکن‌کننده

آن دوائی را نامند که اخلاط و ارواح را از حرکات غیر
طبیعی بازدارد. همه داروهای سرد که فاقد جز حار و محرک باشند مسکن
هستند.

تمر هندی مسکن غثیان صفاوی

هندوانه مسکن حدّت صفا

مجمّد

یعنی بسته‌کننده و آن ضد محلل است

دوایی را کویند که بسبب قوت برودت و قبض خود منجمد گرداند

اخلاط و رطوبات را

مانند بزر البنج و نشاسته

مصلب

دوائی را نامند که جوهر عضو یا مواد را صلب و سخت گرداند بسبب
برودت و بیس و قوت جمع و تکثیف خود و این در مقابل مرخی
است.